

■ در سینمای ایران، فیلم‌های زندگینامه‌ای کمتر تولید می‌شودو آثار ساخته‌شده عموماً موفق نیستند. برای این فیلم سراغ ورزشکار زن رفته‌اید. در ایران ورزشکاران زن زیادی داریم که با مشکلات دست‌وپنجه‌نرم کرده‌و قهرمان شده‌اند. چرا لاله صدیق؟

در ایامی که در لس‌آنجلس بودم به‌صورت اتفاقی از طریق یکی از مجلات هفتگی متوجه شدم زنی در ایران قهرمان اتومبیلرانی شده‌ است. برایم جالب بود که بدانم چگونه یک زن در ایران می‌تواند قهرمان اتومبیلرانی باشد. پیگیری‌های بیشتر برای آشنایی با لاله صدیق آغاز شد و وقتی کل ماجرا را از زبان خودش شنیدم قصه برایم جالب‌تر شد. دو، سه سال قبل از آشنایی با لاله صدیق، دنبال فرصتی برای ساخت فیلمی در ایران بودم. در خارج از کشور اخبار خیلی بدی از ایران می‌شنوید. به همین خاطر تصمیم داشتم کاری انجام دهم تا نشان دهم چهره مردم ایران و واقعیت چیز دیگری است. قصه لاله با نیت من همخوانی داشت. به ایران آمدم و از نزدیک با ماجرای او آشنا شدم. سناریو را با عنوان اولیه «driver» آغاز کردم اما وزارت ارشاد اعلام کرد که به عناوین خارجی مجوز نمی‌دهد و مجبور شدیم عنوان فیلم را به «لاله» تغییر دهیم.

■ «لاله» فیلم مجللی است. شخصیت اصلی از خانواده‌ای متمول است. بی‌ام دیلیو سوار می‌شود، ورزش لوکسی را انتخاب می‌کند، تهران و ایران فیلم مدرن است. می‌خواهید بگویید با اصرار بر نمایش این زرق و برق تصمیم داشتید تصویری تازه از ایران برای مخاطب غربی بسازید؟

به‌هیچ وجه سعی نکردم چهره ایران را بزک کنم، فلسفه زندگی من بر این اصل استوار است که انسان مجاز است نیمه پر لیوان را ببیند همان‌طور که اختیار دارد نیمه خالی را ببیند. این حق هر انسان است. من چهره ایران را شبیک درست نکردم و پرهیز کردم از این که مسائلی را به دروغ مطرح کنم. فقط نیمه پر این لیوان را دیدم. به‌همین خاطر ممکن است این‌گونه جلوه کند که ایران شبیکی را نمایش می‌دهم در حالی که دوربین من به همان خیابانی رفته‌ است که خیلی از دوربین‌ها می‌روند. دوربین من در همان شهری گشته‌ که ده‌ها دوربین دیگر به وسیله ده‌ها فیلمساز در این شهر گشته‌ است منتها وقتی نیت شما دیدن نیمه پر باشد چیز دیگری را می‌بینید و اگر نیت شما متفاوت باشد، تصویر متفاوت‌تری ثبت می‌کنید. ممکن است در نگه به یک باغ آن را سرسبز ببینید ولی با گشت وگذار داخل آن برگ‌های زرد را هم مشاهده کنید. این به انتخاب شما بستگی دارد که چه چیز را ببینید.

■ در سال‌های اخیر توجه به ورزشکاران موفق زن و ترسیم تصویری متفاوت از زنان که مطالبه‌گر هستند، برای رسیدن به خواسته‌هایشان با مشکلات می‌جنگند و تسلیم موانع نمی‌شوند پررنگتر شده‌ است. برخلاف سال‌های گذشته که گاهی برای نشان دادن مشکلات زنان، تصویری ترحم‌برانگیز و قوت‌سپار از آنها تصویر شده‌ است. قرار است این آثار الگویی باورپذیر برای القای خودباوری در زنان ایجاد کنند و از‌سوی دیگر تصویری تازه از زنان ایرانی به جهانیان‌نشان دهند؟

در میان منتقدان چه داخلی و چه خارجی به این مسأله و تقسیم‌بندی دقت جدی می‌شود اما کارنامه کاری من گواهی می‌دهد که نوع نگاه من متفاوت از این تقسیم‌بندی‌هاست. گر چه خیلی‌ها تصور می‌کنند سریال «پاییز صحر» که در اوایل دهه ۶۰ پخش شد هم درباره عدالت‌خواهی یک زن است واینچا هم به‌نوعی همان مضمون تکرار شده اما اینها صرفاً از اصول دراماتیک کار است. اگر نیت فیلمساز این باشد که از حقوق فلان قشر دفاع کند و حقوق بخشی دیگر را نادیده بگیرد از بی‌فلسفه‌ی وی‌اندیشه بودن اوشتان می‌گیرد. هر نویسنده و فیلمساز حق دارد به آنچه فکر می‌کند ویرای مردم آگاهی‌دهنده‌ است، بپردازد. در یک جامعه دموکراتیک طبیف فیلم‌ها همچون رنگ‌ها متفاوت است و هر رنگی کاربرد خاص خودش را دارد. نمی‌توانید بگویید بین هفت رنگ اصلی کدام کیفیت بهتری دارد. همه رنگ‌ها در کنار هم کامل می‌شوند. ساختن فیلم با ژانرهای مختلف تعبیرش این است که سینمای ایران دارای صنعت است. فیلم من در کنار دیگر فیلم‌ها معنا پیدا می‌کند و به‌تنهایی پیام و مانیفست خاصی ندارد. در همه جای دنیا زمانی فیلمسازی معنا پیدا می‌کند که آثاری با تنوع رنگ و مضامین متفاوت خانوادگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... تولید شود. برای من پر داختن به موضوع زن معنا ندارد همان‌طور که پرداختن به مردان بی‌معناست. اجتماع زمانی معنا پیدا می‌کند که شامل مجموعه‌ای از زن‌ها و مردها باشند. حال در این اجتماع ممکن است یک موضوع اجتماعی گاهی محور مردانه و گاهی زنان پیدا کنند. در فیلم «لاله» هم برای من جامعه مهم است و نیتم این نبود که برای قشری خاص بیانیه صادر کنم. من فیلمساز باید کل اجتماع را در نظر بگیرم منتها برای بیزینس و شکل اقتصادی باید مارکت خاصی در نظر بگیرم که فیلم‌های من اصولاً مارکت زن‌ها را پوشش می‌دهد.

■ اگر چه ساخت «لاله» حدود ۱۰ سال قبل آغاز شد اما اگران آن در برهه‌ای از زمان که آثاری چون «صفر تا سکو»، «جلی‌برای رشته‌هاینست» و «باله‌عرق سرد»... به‌به‌نمایش درآمده رنگه کلی این تصور را ایجاد می‌کند که در سینمای ایران تصویری تازه از زنان شکل گرفته‌ است بخصوص لاله صدیق که به‌نوعی نماد تجدن زن ایرانی است.

قطعاً تماشاگر حق دارد هر چیزی را تصور کند و هر چیزی را به هر چیز دیگر ربط بدهد. این حق طبیعی تماشاگر است اما همان‌طور که گفتیم نیت فیلمساز مهم است. برای من کشور و مردم آن مهم بود. در جامعه‌ای از هم زنان هستند و هم مردان. همان‌طور که یکی از قهرمانان فیلم می‌گوید همانقدر که شما آرزوی پیروزی دارید من هم دارم. هیچ فرقی بین زن و مرد نیست. تفاوت کاراکترهای فیلم در نیت‌هایشان است. پیام «لاله» این است که در مقابل مشکلات نباید به مشکلات فلسفه‌خود من هم در زندگی همین است که نباید به مشکلات تعظیم کنیم. با انتخاب یک راه ساده و تسلیم شدن لذت زندگی را درک نمی‌کنیم. مقایسه این فیلم با دیگر فیلم‌ها درباره قهرمانان زن بی‌انصافی است. هر کاری را باید با جنس همان کار مقایسه کرد.

■ احتمالاً دلیل انتخاب زبان انگلیسی به‌منظور برنامه‌ریزی برای ارکان فیلم در خارج از کشور بوده‌ است؟ کاملاً درست است.

■ اما فعلاً که خبری از ارکان خارج از ایران نیست.

فعلاً تکلیف خیلی چیزها مشخص نیست. سال ۹۱ که ساخت فیلم را شروع کردیم مثل همه آدم‌ها آرزوهای برای خودمان داشتیم. آن زمان فکر می‌کردم که دیدن قصه به زبان انگلیسی فضای بیشتری برای دیدن فیلم ایجاد خواهد کرد اما با وضعیت موجود و محدودیت‌های سینما رفتن در سراسر دنیا، نمی‌دانم چه سرنوشتی در انتظار ارکان جهانی «لاله» است. اول باید دید

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

■ یکشنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۰

■ سال بیست و هفتم

■ شماره ۷۵۹۴

اسدالله نیک‌نژاد در گفت‌وگو با «ایران» از ارکان فیلم پر حاشیه‌اش می‌گوید

## «لاله» را با کمترین امکانات ساختم



ترکس عاشوری خبرنگار

از هفته سوم اسفند ۹۱ که اسدالله نیک‌نژاد در پردیس سینمایی ملت پروژه سینمایی پرسروصداش را کلید زد حدود ۸ سال می‌گذرد. «لاله» پیش از این تاریخ و از ابتدای مطرح شدن ایده با حواشی زیاد روبه‌رو بود. عمده حواشی مربوط به

حمایت مالی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و هزینه‌های خارج از عرف این پروژه بود. از سوی دیگر شخصیت اصلی قصه، قهرمان افسانه‌ای بود که همچون رالی در حاشیه‌ها پیش بود. لاله صدیق که از او به‌عنوان قهرمان اتومبیلرانی در ایران یاد می‌شود و رسانه‌ها او را نخستین زنی می‌دانند که در تاریخ جمهوری اسلامی

به رقابت با مردان در رشته اتومبیلرانی پرداخته‌ است. با پایان عمر دولت دهم، پروژه پر حاشیه «لاله» نیمه‌کاره ماند و دولت یازدهم ترجیح داد برای مدتی جنجال‌های خبری آن مسکوت بماند تا در فرصت مناسب درباره پروژه گرانقیمت سینمای ایران تصمیم بگیرد. در نهایت با حکمت علیرضا رضاداد از مدیران پاسا بفه

سینمایی مشکل مالکیت فیلم حل شد و با اختصاص بودجه تازه بالاخره این پروژه سینمایی برای سال ۹۹ آماده نمایش شد. این‌توروز ۱۴۰۰ «لاله» که با حضور بازیگران ایرانی به زبان انگلیسی شده‌ است با دوبله فارسی به نمایش عمومی درآمده است. با اسدالله نیک‌نژاد نویسنده و کارگردان درباره «لاله» گفت‌وگو کرده‌ایم.

بسیارذید باید همان را بسازید حتی با کمترین امکانات. سعی کردیم این‌امکانات مثل دستگاه‌های حرکتی را خودمان بسازیم. حضور بهرام مشاعی از عوامل فنی که به اعتقاد من سرمایه‌بزرگی برای سینمای ایران است کارگشا بود. موانع زیادی سر راه بود اما خدا را سپاسگزارم که توانستیم تصاویری ثبت کنیم که تماشاگر از آن لذت ببرد.

■ بودامکانات در تناقض با آمار ارقام بحث‌برانگیز فیلمی است که اسمش در میان گرانقیمت‌ترین پروژه‌های سینمایی ایران مطرح است.

نه عجیب نیست. شما وقتی شایعه را با واقعیت مقایسه می‌کنید عجیب به نظر می‌رسد. در حالی که شایعه چیز دیگری است و واقعیت چیزی دیگر. شایعه‌سازان بر اساس منافع خودشان کار می‌کنند و شما هر روز نمی‌توانید با آنها در جنگ باشید. باید کار خودتان را انجام دهید. واقعیت کار نشان می‌دهد که چقدر شایعات بی‌اساس بوده است. اینکه «لاله» گرانقیمت‌ترین فیلم سینماس است و خیلی از بودجه‌ها صرفاً برای ساختن فیلم «لاله» معادل فیلم معمولی است که در یک آپارتمان دوخوابه ساخته می‌شود. بودجه فیلم‌هایی که ساخته می‌شود چندین برابر بودجه اعلامی فیلم «لاله» است و نه بودجه مصرفی آن. خدیی از بودجه صرفاً برای ساخت «لاله» خیلی کمتر از بودجه اعلامی است اما خدا را شکر کیفیت کار چنان هست که می‌گویند لابد مخارج عظیمی صرف آن شده است.

■ به‌هر حال آمار و ارقامی از سوی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی اعلام می‌شود که رسمی است.

بله. اگر مرکز گسترش آماری را اعلام کند قطعاً درست است. من از ابتدای کار تا امروز درباره مخارج کار دخالتی نداشتم. هر آنچه مرکز گسترش اعلام کند قطعاً بر اساس مدارک و درست است.

■ با توجه به سوابق و ارتباطات بین‌المللی‌تان، چرا برای سرمایه‌گذاری از منابع خارجی کمک نگرفتید.

اتفاقاً سرمایه اولیه فیلم از خارج از کشور بود منتها وقتی به ایران آمدم معاونت سینمایی اعلام کرد که روی پول و سرمایه و عوامل خودمان حساب کنیم. در همان زمان در سینمای کشورمان فیلم‌هایی تولید شد که عواملشان را از خارج از کشور می‌آوردند. من اما هنرمندان کشورمان را باور داشتم. اعتقادم این است که آرتیست ایرانی فوق‌العاده باهوش است و اگر امکاناتی را که در همین کشور وجود دارد به خدمت بگیرد بهترین‌ها را می‌سازد. بر اساس همین باور از پیشنهاد معاونت سینمایی استقبال کردم. بودجه اعلامی این فیلم که حدود ۷ الی ۸ میلیارد است معادل یک میلیون دلار هم نمی‌شود در حالی که در آمریکا از زبایی ما از بودجه اولیه فیلم نزدیک ۲۰ میلیون دلار بود. یعنی اگر قرار بود به نیروی خارجی اتکا کنیم باید چنین بودجه‌ای را هزینه می‌کردیم اما ما به نیروی خودمان اتکا کردیم و با امکانات داخل ایران با هزینه بسیار کمی فیلم را به سرانجام رساندیم.

■ اگر چه صحنه‌های اکشن و تعقیب و گریز استاندارد و جزو نقاط قوت فیلم است اما تکیه بر جلوه‌های بصری و تکنیکی در نمایش

مسابقات باعث شده کمتر روی قصه و شخصیت‌پردازی متمرکز شوید. برخلاف جریان تولید فیلم که پر حاشیه بود از حواشی

زندگی شخصیت اصلی قصه که همیشه از حاشیه پیش بوده پرهیز کرده‌اید.

سناریوی فیلم من ۱۵۵ صفحه بود. در این سناریو به

شخصیت لاله، خانواده‌اش، ضد قهرمان‌ها و تمام عوامل پرداخته شده است منتها فشار اینکه سینمادار فیلم بیش از ۱۲۵ دقیقه را نمایش نمی‌دهد من را مجبور کرد که زمان فیلم را به جایی برسانم که با تایم فلان سینما در ابرقو هم هماهنگ باشد. همین الان دوباره دستور داده شده که اگر فیلم را کوتاه نکنم سالن سینما و سانس نمایش نمی‌دهند. من هم برای اینکه فرصت بیشتری فراهم شود تا مخاطب فیلم را ببیند دندان روی جگر می‌گذارم و فیلم را کوتاه‌تر می‌کنم. چند فیلمساز دیگر را هم مجبور به کوتاه کردن نسخه نمایش فیلم‌هایشان کرده‌اند. تمام این فشارها هم به‌خاطر نظام تولید و توزیع غلط است که فیلمساز را مجبور می‌کند به این قواعد تن بدهد.

■ یعنی نسخه اولیه فیلم بلند تر بود.

سناریو برای سه ساعت نوشته و ساخته شده است. الان هم سه ساعت کامل را داریم. با تماشای نسخه سه ساعته فیلم دیگر چنین سؤالی نخواهید کرد که به تمام شخصیت‌ها و عوامل با جزئیات پرداخته نشده‌ است.

■ پس از کش و قوس‌های فراوان فیلم روی پرده رفته اما به‌نظر می‌رسد هنوز مشکلات تمام نشده است.

بله من از ارکان گلایه دارم. در سایت سمفا اعلام شده که ارکان «لاله» از ۲۷ اسفند آغاز شده است. این اطلاعات دروغ است. ساعت ۹ جمعه شب ۲۹ اسفند دستور داده شد فیلم ما به ارکان در بیاید. روز شنبه سی‌ام هم جا تعطیل بود. یکشنبه اول فروردین نسخه فیلم هول‌هایکی از لابرانوار گرفته شد و به دست پخش‌کننده رسید. ساعت ۲۰ و ۴ دقیقه دوشنبه دوم فروردین، اولین سانس فیلم در سینما فرهنگ به نمایش درآمد. در یک سالن کوچک با کیفیت نامناسب پرده نمایش و صدای بد. در حالی که برای کیفیت تصویری و صوتی فیلم زحمت زیادی کشیده شده است. طبق قرار پخش‌کننده و صاحب فیلم قرار بود ۱۰ روز یا حداقل ۷ روز پیش از نمایش فیلم، تبلیغات انجام شود. این جزو قراردادهای ما بود یا حداقل به من چنین گفته شد اما این‌طور عمل نکردند. تبلیغ نکردند. اصلاً اعلام نکردند که سینماهای سراسر کشور فعال است. حداقل انتظار و توقع صاحبان فیلم‌ها از سازمان سینمایی کشور این است که وقتی فیلم‌ها را ارکان می‌کنند خبررسانی انجام دهند و این اطمینان را در مخاطب ایجاد کنند که سالن‌های سینما محل امنی است. باید با همکاری ستاد ملی مقابله با کرونا این اطلاع‌رسانی و اعتماد برای فعالیت سالن‌های سینما ایجاد شود. آگاهی و اطلاع‌رسانی به مردم که چه فیلم‌هایی و در چه شهرهایی ارکان می‌شود یک توقع حداقلی است. وضعیت پخش در سینمای ایران دیکته غلطی است که به‌صورت قانون نانوشته در آمده است. یک سانس ساعت ۱۰ صبح و یک سانس ۵ بعد از ظهر که اسکن پخش نیست. گول زن فیلمسازان است. اولاً در سراسر دنیا سینماها شریک فیلمساز نیستند اما در این مملکت هستند. در سراسر دنیا سالن‌های سینما به پخش‌کنندگان اجازه داده می‌شود. بنابراین پخش‌کنندگان به نوعی سهامدار فیلم خواهند شد. پخش‌کنندگان به اندازه بودجه فیلم سرمایه می‌گذارند و برای اطلاع‌رسانی و تبلیغ هزینه می‌کنند یعنی همان ریسکی که سرمایه‌گذار برای ساخت فیلم داشته، پخش‌کننده هم می‌کند و معادل همان هزینه را صرف آگاهی‌رسانی می‌کند. تولید و توزیع در سینمای ایران دارای اشکالات جدی است. به همین خاطر فیلمسازها به جان هم می‌افتند. من می‌گویم چرا فلان فیلم ۱۰۰ بار نمایش می‌دهند و تهیه‌کننده دیگری به شورشای صفی نمایش شکایت می‌کند که چرا فیلم من ارکان نمی‌شود و صف طولانی به وجود می‌آید. سیستم توزیع سینمای ایران از کار افتاده و غلط است. سازمان سینمایی که به اجبار کنترل سینمای ایران را در اختیار دارد باید این وضعیت را سازماندهی و کنترل کند اما در سیستم موجود تابع افرادی شده که چه به‌نام تولیدکننده و چه به‌نام توزیع‌کننده جایگاهشان جایی نیست که ششست‌اند و این سیستم غلط به آنها جایگاه و میز و مقام داده است.

■ به گفته شما ۲۹ اسفند دستور نمایش فیلم صادر شده اما این در حالی است که قرار بود «لاله» بعد از ایام جشنواره به نمایش در بیاید.

بله. این فرمایش شما کاملاً درست است. گفته بودند برای حفظ موج مخاطبان جشنواره فیلم فجر باید فیلم‌هایی برای ارکان پیشقدم شوند. بعد هم اعلام شد که فیلم‌کننده‌های مستقل داوطلب نمی‌شوند. اگر چه اساساً عنوان تهیه‌کننده مستقل در سینمای ایران بی‌معناست، وقتی در لیست فارابی ۹۰ درصد فیلم‌ها با وام‌های دولتی ساخته شده– به استثنای تعداد کمی که شخصی می‌شاسم– تهیه‌کننده مستقل کجاست؟ پیشنهاد می‌دهم فیلم «لاله» پیشقدم‌شود چون فیلم دولتی است. در همان روز اعلام کردم صاحب چنین تفکری خائن به مردم است. چون پول ساخت فیلم از دولت نیست بلکه پول مردم است. افتخار می‌کنم با پول مردم فیلم را ساختم و دین‌ام این بود که آن را هدر ندهم. من کار خودم را کردم. بارها به مسئولان مرکز و دیگر رفقاً تماس می‌دادم تا فیلم منیست اما تکفوری که اصرار داشت پول دولت است و اشکالی ندارد که قربانی شود فشار آورد که این فیلم ارکان شود. در حالی که در هفته آخر اسفند به این نتیجه رسیدیم که فیلم برای عبد فطر نمایش داده شود و اطلاع‌رسانی و تبلیغات شهری آن هم از ۱۰ روز پایانی ماه رمضان آغاز شود– برای این کار حتی با اسپانسرها به توافق رسیده بودیم– دستور رسید که فیلم باید ارکان شود و مدیران زیرمجموعه هم اطاعت کردند. حتی پخش‌کننده فیلم که قول داده بود یک هفته برای فیلم تبلیغ کند از وظیفه‌اش شانه خالی کرد. نداشتم تبلیغات به یک طرف، لاله به فیلم سالن نمایش اختصاص ندادند. در این ۵ روزی (شنبه ۷ فروردین) که از ارکان فیلم گذشته یک سالن سینما اسم ببرید که از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۰ شب سانس نمایش‌اش متعلق به فیلم «لاله» بوده باشد. احتمالاً از سینما گرووش و ایران مال نمونه بیابورید اما آیا کسی که در نازی آباد و صفهان و شیراز است باید بیشتر در سینما گرووش فیلم را ببینند. اسم این پخش است؟ من اصلاً نمی‌دانم در کدام شهرستان‌ها این فیلم نمایش داده می‌شود. برایشان مهم نیست چون معتقدند این فیلم دولتی است در حالی که صاحب اصلی سرمایه آن مردم هستند.

■ با وجود همه حواشی ساخت «لاله» تصمیم دارید دوباره فیلمسازی در ایران را تجربه کنید.

در دنیالوکی از فیلم، پدر لاله به دخترش می‌گوید هیچ چیز نباید در زندگی مانع خوشبختی تو شود. این دیالوگ از قلب من آمده و آن را باور دارم. معتقدم هیچ چیز نمی‌تواند ایرانی بودن را از من بگیرد. حتی اگر این فیلم پردرسترین فیلمی باشد که ساختم. قرار کردن از مشکلات کار آدم‌های بی‌مایه است البته منظور من قرار سیاسی نیست. منظور کسانی هستند که از زیر بار مشکلات شان فرار می‌کنند. دوه، سه سناریو آماده دارم اما تا حالا منتظر بودم که پرورنده «لاله» اعلام به‌شود.